

آقای مکرم حضرت افغان جناب آقای الف و حاء علیه بهاء الله الابهی بلحاظ انور ملاحظه فرماید

۱۵۲'

هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

حمد حضرت قیومی را لایق و سزاست که بشارت رحیق مختومش عالم افسرده را تازه نمود و فرح لانهایه بخشید این رحیق در مقام اول عرفان حضرت اوست طوبی از برای نفوسیکه شئون عالم ایشان را از این فیض اعظم منع نمود و محروم نساخت و الصلوة و السلام علی الذی به نزلت الآیات و ظهرت البینات و ما کان مودعاً فی الاشیاء کلها هو الذی اقامه الله مقام اسمائه و صفاته و اظهر منه ما اراد من عظمته و سلطانه و علی آله و اصحابه الذین بهم نادى المناد السطوة لله مالک الایجاد روحی و نفسی لاستقامتکم و قیامکم و نصرتکم الفدا دستخط مبارک حضرت عالی که هر کلمه آن دفتری بود از حکمت و معانی بصر را نور تازه عطا نمود و قلب را بهجت بی اندازه عنایت فرمود الحمد لله حرکت و سکون آنحضرت بقبول مزین این نعمتست عظیم انّ الخادم یشکر الله ربّه بما اظهر بکم صدق اولیائه و امانة احبائه انه معین من توکل علیه و قوّض امره الیه اشهد بقدرته و قوّته و اقتداره و عزّه و عظمته و کبریائه و بانه هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون و بعد از قرائت و اطلاع امام وجه مولی عرض شد و بعز اصغا فائز گشت

فرمودند یا افغانی علیک سلامی و ذکرى قل لک الحمد یا الهی و سیدی و سندی و مقصودی اشهد انک انجزت وعدک و اظهرت امرک و فصلت بین الحقّ و الباطل و الصدق و الکذب و نصرت المظلوم و ابرزت ما کان مستوراً عن عیون عبادک و خلقت ای ربّ اسئلک بحیبک و باشتیاقه و انجذابه حین ما اسمعته ندائک و بشرته بقاءک فوق سموات قدرتک و افلاک عظمتک ان تجعلنی و الذین معی مطالع الصدق و الصفاء و مشارق الامانة و الدیانة و الوفاء ای ربّ تعلم و ترى بانّی ما اردت الا احقاق الحقّ و ازهاق الباطل لیوقن کلّ عبد بانّ لک عباد لم یریدوا الا رضائک و اخذ حبّک و عطائک زمام الاختیار عن اکفهم و تحرکهم اریاح مشیتک کیف تشاء ای ربّ ترانی معرضاً عن ارادتی و منتظراً ظهورات ارادتک و عن مشیتى شوقاً لشئون مشیتک ای ربّ خذ ید من اراد خباء مجدک ثم اسکنه فی ظلّ قباب رحمتک انک انت الرّحیم الذی سبقت رحمتک الکائنات و الکریم الذی احاط کرّمک الممكنات اسئلک بلوآء عدلک و اعلام هدایتک و رایات کرّمک و فضلک ان تجعلنی راضياً برضائک و منقطعاً عن دونک و قدر لی ما یرفعنی باسمک بین خلقک انک انت الجواد الکریم و فی قبضتک زمام من فی السموات و الارضین انتهى

هر کلمهئی از کلمات بابی است از برای رجا و رحمتی است کبری از برای اهل فضل و تقوی شکّی نبوده و نیست که سلطان وجود و مالک غیب و شهود اراده اش مشرق فضل و عطا و مشیتش مطلع مواهب و الطاف و شکّی هم نبوده و نیست که آنحضرت و این عباد باو توجه نموده ایم و رضای او را میطلبیم در اینصورت بدبخت نفسیکه در آسمان بخششش شک نماید و یا در بحر کرّمش توقّف کند له الحمد و المنّة و له العطاء و العزّ و العظمة رغماً للمشرکین و الملحدين معترفیم بتوحید ذاتش و موقنین بتقدیس نفسش و مطمئنیم باجابتش و رحمت و عنایتش دیگر اینمقام و این عرض را اینکلمه مبارکه سزاوار انا لله و انا الیه راجعون

اینکه تفصیل امور آن ارض را مرقوم فرمودند که از دستخطیکه بحضرت افغان علیه بهاء الرحمن ارسال داشته اند معلوم و واضح میگردد بلی ارسال فرمودند و امام وجه هم عرض شد الحمد لله الذی ایدکم و وقّکم و رفع مقامکم و نصرتکم علی کلّ

ملحد مکار و کلّ مفتر کذاب لازال بعنایت فائزند و بتأییدات غیبیّه الهیّه مرزوق له الحمد و الثناء و له الشکر و العطاء بما فرّق بین الکاذب و الصادق و عرف عباده مظاهر الکذب و التفاق و مطالع الجهل و الشقاق أنّه هو الحاکم فی يوم الطلاق سبحان الله رجوع آنحضرت بآنمدینه بمثابه دریاق اعظم بود از برای امراض مزمنه جهل و نادانی در جمیع احوال ابصار بشرطش ناظر و وجوه بافغش متوجه اسئله ان یؤید العاملين و الصادقین و المقربین لا اله الا هو المشفق الغفور الکریم

اینکه در ذکر عنایات مقام والای سفارت کبری حضرت معین اعانه الله تبارک و تعالی مرقوم داشتند لا شکّ فیها الحمد لله از عالم قوه بفعل و از عالم سرّ بظهور آمد بعد از عرض اینفقره امام وجه فرمودند الحمد لله مقتضیات حکمت بالغه الهی اقتضای ظهور مقامات ایشانرا نمود و ظاهر شد آنچه که مستور بود از حق میطلبیم اجر جزیل عنایت فرماید و دیباج کتاب مقامات عباد را باینعمل آنحضرت که لوجه الله ظاهر شده مزین و مطرّز دارد و نسل الله تبارک و تعالی ان یحفظه بجنود الحکمة و البیان و ینصره بایادی الفضل و العطاء أنّه هو الحاکم علی ما یشاء لا اله الا هو المقتدر المهیمن العلیم الحکیم انتهى

فی الحقیقه در هر حین آثار محبت و رحمت و شفقت ظاهر نیست این مگر از اسرار و مصالحیکه در نفوس مکنون و مستور است الهی الهی آید من ظهر به آثار العدل و الانصاف و قدر له من بحر جودک ما لا ینفد بدوام اسمائک و صفاتک انک انت المقتدر المختار

خدمت حضرات اولیای آن ارض هر یک سلام میرسانم و از حق جلّ جلاله میطلبم هر یک را بطراز اخلاقیکه سبب و علت انتشار عدل و انصافست مابین احزاب مؤید فرماید فی الحقیقه در رتبه اولی و مقام اول مقصود از خلق ظهور امانت و دیانت و صدق و صفا بوده و هست چه که این صفات سبب راحت و اطمینان و فراغت است طوبی از برای نفوسیکه بآن فائز گشته اند انهم عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون محبوب فؤاد جناب ناظر علیه سلام الله و عنایتی که اگر راجع شوند اولی و احسن بنظر میآید چه که قره عین هر یوم منتظرند و آنچه در آن ارض واقع شده قبل از اخبار باین ارض بوده از حق جلّ جلاله میطلبم چشم قره عین جناب آقا میرزا حبیب الله و همچنین بصر حضرت سمندر را بمشاهده محبوب فؤاد جناب نبیل ابن نبیل علیهما بهاء الله روشن و منور فرماید ذکر نور چشم مکرم معظم جناب آقا میرزا عبدالحسین علیه بهاء الله در ساحت مولی بوده و هست و اینفانی از حق جلّ جلاله از برای ایشان میطلبد آنچه را که باقی و برقرار است انه هو السامع المجیب السلام و الذکر و الرحمة و البهَاء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبکم لوجه الله رب من فی السموات و الارضین

خادم

فی غره رجب سنة ۱۳۰۷

## [یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲ ژوئیه ۲۰۲۶، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر